

۲) اشکال دیگر مرحوم فاضل رحمة الله عليه :

«مرحوم بروجردی فرمود : مراد مشهور از موضوع علم، همان جامع بین محمولات است در حالی که می دانیم مشهور موضوع علم نحو را «کلمه و کلام» می داند. حال آیا کلمه و کلام جامع بین مرفوعات و منصوبات و مجرورات است یا جامع بین فاعل و مفعول و مضاف الیه است و جامع بین مرفوع و منصوب و مجرور «کیفیت آخر کلمه» است.»^۱

ما می گوئیم :

مرحوم بروجردی خود به این نکته توجه داشته اند آنجا که می فرمایند:

«الظاهر أن ما ذكرنا هو مراد القوم أيضاً؛ حيث اضافوا قيد الحيثية في بيان موضوع العلوم الأدبية؛ فقولهم : إن موضوع علم النحو هو الكلمة من حيث الاعراب والبناء، و موضوع علم الصرف هو الكلمة من حيث الصحة والاعتلال؛ وهكذا، إنما يريدون بذلك كون حيثية الإعراب والبناء موضوعاً لعلم النحو، و حيثية الصحة والاعتلال موضوعاً لعلم الصرف. و على هذا فيكون تمايز جميع العلوم بتمایز الموضوعات»^۲

توضیح آنکه :

اولاً : مرحوم بروجردی می فرمایند از نگاه قوم موضوع علم نحو «کلمه و کلام من حيث الاعراب» است و این با مرفوع و منصوب تطابق دارد و به عبارتی از نظر ایشان موضوع علم نحو در حقیقت حیثیت اعراب، است که مصادیق آن مرفوع، منصوب و مجرور است.

ثانیاً : گفتیم در اصطلاح ایشان، موضوع با آنچه در اصطلاح مشهور است تفاوت دارد و ایشان در عین حال که موضوع علم را جامع محمولات می داند ولی می فرمایند تمایز علوم به موضوعات است یعنی تمایز علوم به جامع محمولی است و جامع محمولی همان موضوع علم اصول است.

۳) اشکال سوم مرحوم فاضل :

«ایشان می فرمایند : تمایز مسائل هر علمی با یکدیگر، به تمایز موضوعات مسائل است و تمایز بین مسائل هر علم با مسائل علوم دیگر به محمولات است. مانند علم فلسفه که موضوعات مسائل با یکدیگر تفاوت دارند ولی محمول در همه آنها یکی است (یعنی موجود)»

ما می گوئیم : این فرمایش در همه علوم جریان ندارد و حتی بعضی از علوم بر عکس فلسفه است و موضوع در تمام مسائل یکی است مانند علم عرفان که موضوع تمام مسائل آن، «الله» است. آیا تمایز بین «الله تعالی موجود» و «الله تعالی عالم» به تفاوت موضوع است؟»

۱. سیری کامل در اصول فقه شیعه ؛ ج ۱ ص ۱۰۴

۲. نهاية الاصول ؛ ج ۱ ص ۳



ما می‌گوییم :

ان قلت : در همین جا هم مرحوم بروجردی، می‌گویند جای محمول و موضوع باید عوض شود و «الله موجود» فی الواقع «موجود هو الله» است، «عالم هو الله» است. پس تفاوت مسائل به موضوعات است و تفاوت علوم با یکدیگر به محمولات. قلنا : مرحوم بروجردی تغییر موضوع و محمول را برای آن می‌فرمود که محمولات را موضوع قرار دهد در حالی که در این جا چنین امری صورت پذیرد موضوع، محمول می‌شود و دیگر «جامع محمولی» موضوع علم نخواهد بود. جمع بندی : به نظر این اشکال از قوت برخوردار است

(۴) نقدی دیگر :

این گونه نیست که مسائل یک علم به سبب موضوعاتشان با هم متمایز باشند بلکه مثلا در علم جغرافیا ایران موضوع است هم برای «ایران فلات های گوناگون دارد» و هم برای «ایران، دارای رودخانه های گوناگون است». پس موضوع عامل تمایز مسائل نیست.

(۵) نقدی دیگر :

ایشان طبق مقدمه پنجم گفتند در هر مسئله جای محمول و موضوع عوض می‌شود و لذا جامع محمولی همان موضوع مسائل یک علم است. در این صورت ما می‌گوییم پس : موضوعات مسائل هم به محمولات مسائل تبدیل می‌شود و در این صورت ایشان باید در مقدمه اول، تغییر داده و بگویند : وجه اشتراک مسائل یک علم با هم موضوعات آنها و وجه تمایز آنها محمولات آنها می‌باشد.

پس :

فرمایش ایشان اگرچه حاوی نکته دقیقی است ولی واقعیت آن است که در همه علوم ساری نیست بلکه علوم مختلف از این جهت حالات مختلف دارند و لذا نمی‌توان این نکته را عامل تمایز همه علوم دانست. به خصوص وقتی به یاد آوریم که ما در مبحث قبل ثابت کردیم که علوم احتیاج به موضوع ندارند و پیش از آن نیز ثابت کردیم که قضایای یک علم به سبب غرض واحد و نه اشتراک در محمول یا موضوع کنار هم چیده می‌شوند.

